

چالش‌ها و رهیافت‌های توسعه‌گردشگری ادبی در ایران

ناصر بیات*

علی‌رضا اسدی**

چکیده

امروزه مطالعات میان‌رشته‌ای از اهمیت بسزایی در بسیاری از شاخه‌های علمی به ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی برخوردار است. پژوهش درباره گردشگری فرهنگی و زیرشاخه‌های آن همچون گردشگری ادبی نیز از حوزه‌های مطالعاتی میان‌رشته‌ای است، بویژه در حوزه رشته‌های ادبیات، جغرافیا و مطالعات فرهنگی. علی‌رغم غنای ادبیات و میراث ادبی ایران این شاخه از گردشگری تاکنون در کشور مغفول مانده است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی تحلیل مضمون از طریق گردآوری دیدگاه‌ها و داده‌های متنی موجود پیرامون گردشگری ادبی در ایران، در گام نخست چالش‌های توسعه گردشگری ادبی در ایران را شناسایی کرده و در گام دوم رهیافت‌های لازم برای غلبه بر آن‌ها را شناسایی و تجزیه و تحلیل نموده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چالش‌های یاد شده قابل دسته‌بندی به ۶ مضمون اصلی و ۴۳ مضمون فرعی و رهیافت‌های مورد نظر نیز قابل دسته‌بندی به ۱۰ مضمون اصلی و ۶۹ مضمون فرعی است.

کلیدواژه‌ها: گردشگری فرهنگی، گردشگری ادبی، میراث ادبی، جغرافیای ادبی، تحلیل مضمون.

* استادیار جغرافیای انسانی، دانشگاه علوم انتظامی امین، گروه جغرافیا (نویسنده مسئول)، n_bayat@ut.ac.ir

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، asadi728@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۱

۱. مقدمه

کارشناسان انواع موانع توسعه گردشگری در ایران را شامل ابعاد زیربنایی، اقتصادی، فرهنگی، انسانی، سیاسی، دولتی، و مدیریتی را برمی‌شمارند (محرابی و همکاران، ۱۳۸۹)؛ و در این شرایط بسیاری از آنها "گردشگری فرهنگی" و زیربخش‌های آن از جمله "گردشگری ادبی" را به عنوان سازگارترین شکل گردشگری با شرایط حاکم بر کشور ایران معرفی می‌کنند که در مقایسه با اشکال دیگر با موانع کمتری روبروست و از مزیت نسبی برخوردار است و اغلب تجربیات مطالعاتی نشان می‌دهند که اثرات منفی گردشگری بر جوامع مقصد بسیار کمتر از سایر اشکال گردشگری است. بر این پایه اشکال متنوع گردشگری فرهنگی، از جمله گردشگری ادبی، می‌تواند به عنوان گزینه‌ای مطلوب برای خروج از بن‌بست کنونی و راهی به سوی رونق‌بخشی به توسعه صنعت گردشگری در ایران مطرح گردد. چنین رویکردی معتقد است فرهنگ ایرانی از توانایی بازتولید و زاینندگی بالایی برخوردار است و همواره بیش از آن که اثرپذیر باشد، در عرصه جهانی اثرگذار بوده است (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۱). با این همه، کشور ایران علی‌رغم برخورداری از پتانسیل‌های فراوان به لحاظ جاذبه‌های گوناگون ادبی و میراث ادبی غنی تا کنون نتوانسته است به موقعیت قابل توجهی در این زمینه دست یابد. هرچند، تعداد گردشگرانی که به مکان‌های موجود در شهرهای ادبی ایران همچون شیراز و مشهد و تبریز سفر می‌کنند در دهه‌ها و سال‌های اخیر همواره رو به افزایش بوده است؛ اما مساله اساسی اینجاست که تا کنون در سطوح ملی و منطقه‌ای برنامه‌ریزی قابل توجه و عزم راسخی برای توسعه گردشگری ادبی و ایجاد خلاقیت و شکوفایی در این زمینه وجود نداشته است. با این وجود، طی سال‌های گذشته در راستای ترویج گردشگری ادبی و برانگیختن علاقه مردم و جلب توجه دولتمردان تلاش‌ها و کوشش‌هایی پراکنده‌ای در بخش خصوصی توسط علاقه‌مندان به ادبیات و میراث ادبی کشور انجام شده است و حاصل مجموعه تلاش‌های آنها بسط گفتمان توسعه گردشگری در ایران به عنوان شاخه‌ای از گردشگری فرهنگی است. بدون شک جذابیت‌های میراث ادبی ایران از جایگاه برجسته‌ای در حوزه تمدنی شرق برخوردار است، که بهره‌گیری از قابلیت‌های آن می‌تواند برای جهانیان و بویژه علاقه‌مندان به گردشگری فرهنگی جذاب باشد؛ و علاوه بر کمک به توسعه بخش گردشگری، به عنوان ابزار "قدرت نرم" و "دیپلماسی فرهنگی" (Bell & Oakley, 2014)، در تعمیق و گسترش جهانی دستاوردها و ارزش‌های میراث فرهنگی کشور نقش ایفا کند.

لذا در شرایط کنونی ضرورت دارد تا از طریق برنامه‌ریزی اصولی، سازماندهی و بسترسازی‌های لازم برای شکوفایی گردشگری ادبی در کشور انجام شود و از این طریق پتانسیل‌های موجود در ایران به طور بالفعل مورد بهره‌برداری قرار گیرد، تا در این راستا گردشگری ادبی به جایگاهی شایسته و رو به پیشرفت دست یابد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی تحلیل مضمون تلاش دارد تا از طریق گردآوری داده‌های موجود پیرامون گردشگری ادبی در ایران، در گام نخست چالش‌ها و یا به عبارتی موانع و مشکلات توسعه گردشگری در ایران را شناسایی کند و در گام دوم رهیافت‌های لازم برای غلبه بر چالش‌های کنونی را شناسایی و تجزیه و تحلیل نماید. انتظار می‌رود نتایج پژوهش فهم روشنی از موضوع گردشگری ادبی و شناخت روشنی از چالش‌ها و رهیافت‌های کنونی آن در ایران ارائه دهد؛ بستر مناسبی برای طرح موضوع گردشگری ادبی (به عنوان یک موضوع میان‌رشته‌ای) در مطالعات آکادمیک کشور فراهم آورد؛ و همچنین دستاوردهای مناسبی برای برنامه‌ریزان و مسوولان توسعه گردشگری به همراه داشته باشد.

۲. ادبیات پژوهش

۱.۲ گردشگری فرهنگی

گردشگری فرهنگی را می‌توان به عنوان یکی از کهن‌ترین گونه‌های گردشگری به شمار آورد. به طور کلی آنچنان که از منابع مختلف علمی برمی‌آید نمی‌توان تعریف یکسانی درباره گردشگری فرهنگی ارائه داد. پژوهشگران مختلف با توجه به زمینه فکری و تجربه‌های مطالعاتی خود تعاریف به نسبت متفاوتی در این زمینه ارائه داده‌اند. برداشت‌های متفاوت از دو مفهوم «گردشگری» و «فرهنگ» را مهمترین دلیل دشواری ارائه تعریفی یکسان از گردش شناخت. اما به طور کلی، و به عنوان نقطه اشتراک بیشتر تعاریف موجود، می‌توان گفت گردشگری فرهنگی برآمده از جذابیت‌های منابع مادی و غیر مادی فرهنگ (ملموس و غیرملموس) در مقصدهای گردشگری است (Yamashita, 2016)، مانند: معماری، ادبیات، آثار هنری، موسیقی، سبک و شیوه خاص زندگی، انواع جشنواره‌ها، آداب و رسوم خاص فرهنگ‌های محلی، فیلم و سینما، نمایشگاه‌های هنری، موزه‌های فرهنگی و غیره. یوری (Urry) (۱۹۹۰) معتقد است هنگام بحث درباره گردشگری فرهنگی می‌بایست میان "نگرش رمانتیک" (Romantic' gaze) و "نگرش کلی (عام)" (Collective' gaze) به گردشگری تمایز قایل شد. بر اساس دیدگاه وی نگرش رمانتیک بیشتر مختص گردشگرانی

است که از سطح فرهنگ و آموزش بالاتری برخوردارند. بنابراین، گردشگر فرهنگی (و گردشگری ادبی به عنوان یکی از مهمترین شاخه‌های آن) به طور کلی در چارچوب نگرش رمانتیک جای می‌گیرد، به طوری که می‌بایست پذیرفت گردشگر فرهنگی بیشتر به فعالیت‌های مرتبط با فرهنگ علاقه مند است و به طور کلی در پاسخگویی ملموس به نیازهای فرهنگی خود است تا از این طریق سطح دانش و فرهنگ خود را ارتقاء بخشد (Stiebel, 2007). یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرکاربردترین تعریف‌هایی که از مفهوم گردشگری فرهنگی به عمل آمده، مربوط به سازمان جهانی گردشگری ملل متحد (United Nations World Tourism Organization) (۱۹۹۵) است؛ در این تعریف آمده است:

مسافرت مردم به سوی جاذبه‌های فرهنگی در مکان‌هایی خارج از محل سکونت آنها، به قصد کسب دانش و تجربه، پاسخگویی به نیازهای فرهنگی، مانند: مشارکت در رویدادهای فرهنگی و هنری، بازدید از مکان‌های میراث فرهنگی، بازدید از نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری، تماشای فیلم و تئاتر (McKercher & Du Cros, 2015).

۲.۲ جغرافیای ادبی

جغرافیای ادبی حاصل بر هم کنش جغرافیا و ادبیات است و پیدایش آن با اهمیت یافتن مفهوم «فضا» و «مکان» در مباحث علوم انسانی بویژه حوزه نقد ادبی ارتباط تنگاتنگ دارد. این موضوع بینارشته‌ای از دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی به شکلی گسترده مورد توجه پژوهشگران در جهان غرب قرار گرفت و همگام با رشد ادبیات علمی در این زمینه مطالعات گردشگری ادبی و «نقشه‌نگاری ادبی» (Literary cartography) نیز رشد یافت (سیدقاسم و نوح‌پیشه، ۱۳۹۵). رابرت تی. تیلی (Robert T. Tally) (۲۰۱۳) از جمله پژوهشگرانی است که در کتابی با عنوان «فضامندی» (Spatiality) شناخت جامعی در این زمینه بدست می‌دهد. در این اثر تاریخچه و فلسفه مفاهیم «فضامندی» در ادبیات بیان می‌شود. «نقشه‌نگاری ادبی» و مفاهیم مرتبط با آن مانند «حس مکان» (Sense of place) و پیوند روایت و «فضای اجتماعی» (Social space) تبیین می‌شود. جغرافیای ادبی و عناصر شکل‌دهنده‌ی آن مانند «روح مکان» (Spirit of a place) در آثار ادبی مورد بحث قرار می‌گیرد. سرانجام به تشریح رویکرد «نقد جغرافیایی» (Geocriticism) در ادبیات پرداخته می‌شود.

ویرجینیا ولف (Virginia Woolf) (۱۸۸۲-۱۹۴۱)، از جمله نویسندگان مشهوری است که، در یکی از مقالات خود به موضوع جغرافیای ادبی می‌پردازد. وی در این راستا

پیوندهای میان محل زندگی دو نویسنده بزرگ انگلیسی، ویلیام مکیس تاگری و چالز دیکنز، و کتاب‌های آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر اساس نگرش ولف، در چارچوب جغرافیای ادبی خوانندگان متون ادبی را به عنوان کتاب‌های راهنما مورد استفاده قرار می‌دهند و از این طریق آنها سفرهای خود در بستر جغرافیای طبیعی انگلستان دنبال می‌کنند تا از این طریق مکان‌های واقعی که به دلیل ارتباط آنها با آثار این دو نویسنده بزرگ شهرت یافته‌اند را از نزدیک مورد بازدید قرار دهند. ولف معتقد است در یک سفر ادبی روح مکان به دو شکل "علمی" و "تخیلی" نمود می‌یابد. در شکل تخیلی و احساسی فرد در پی چیزهایی است که مسبب برانگیختن تخیل شود، مانند تصور کردن دیکنز در یک موقعیت مکانی خاص که با روایت زندگی وی پیوند و همخوانی دارد، در شکل علمی بازتاب و تاثیر محیط زندگی نویسنده بر آثار وی جستجو می‌شود (Yamashita, 2016) در واقع بر اساس این نگرش می‌توان گفت در چارچوب جغرافیای ادبی و ارتباط آن با گردشگری ادبی، فرد به دنبال درک این نکته است که محیط اطراف نویسنده تا چه حد بر خلق آثار وی تاثیر گذاشته است؛ به عبارتی دیگر عناصر الهام‌بخش نویسنده در آفرینش آثار ادبی از درون نمودهای محیطی و ویژگی‌های فضای جغرافیایی زندگی نویسنده جستجو می‌شود.

موضوع جغرافیای ادبی در ادبیات علمی ایران سابقه درازی ندارد. یکی از دلایل آن ضعف در مکانمندی آثار نظم و نثر فارسی است. زیرا برخلاف نویسندگان معاصر اروپا، نویسندگان ایرانی توجه زیادی به شهر و مکان‌های واقعی پیرامون خود نشان نمی‌دهند؛ گویی در فضای ذهنی و در جغرافیای تخیلی خود سیر می‌کنند و از فضاهای واقعی فاصله می‌گیرند. دلیل دیگر این است که ساز و کار عناصر مکانی در شعر و نثر کلاسیک و ادبیات معاصر ایرانی و اروپایی متفاوت است. بازنمایی فضاهای جغرافیایی (شهری و غیرشهری) در آثار ادبیات غرب تنها با هدف بازنمایی ابعاد واقعیت در داستان‌های رئالیستی انجام نمی‌شود؛ بلکه روشی برای بازنمایی فضای فکری حاکم بر مکان و فضای جغرافیایی (سیدقاسم و نوح پیشه، ۱۳۹۵).

۳.۲ گردشگری ادبی

یوری (۱۹۹۰) می‌گوید امروزه ارزش یافتن ابعاد زیبایی‌شناختی و تماشایی بسیاری از مکان‌ها، و همچنین اهمیت یافتن جذابیت نوستالژیک "میراث" جوامع (میراث فرهنگی و میراث طبیعی)، را می‌توان در بستر مفاهیم و معانی پست‌مدرن نگرینست (صص. ۹۴-۹۳).

متون ادبی و نویسندگان و میراث به جای مانده از آنها همواره یکی از عوامل انگیزشی سفرهای توریستی بوده اند. در جهان معاصر این شکل از گردشگری به دلیل انتشار گسترده متون ادبی و آشنایی عموم مردم با ادبیات و زندگی‌نامه نویسندگان از طریق رسانه‌هایی چون فیلم و تلویزیون، با رشد فزاینده‌ای روبرو شده است (MacLeod, et al., 2013)

یاناکیس و دیویس (Yiannakis & Davies) (۲۰۱۲) معتقدند رشد و توسعه گردشگری ادبی به عنوان یکی از اشکال شناخته شده در بخش گردشگری، از سده‌های هجدهم و نوزدهم همگام با فراگیر شدن رئالیسم ادبی (گسترش مطالعات ادبی) آغاز گردید. اندرسون و رابینسون (Andersen & Robinson) (۲۰۰۲)، بر این عقیده‌اند که به طور کلی تاریخ گردشگری ادبی به قرن‌ها پیش و حداقل به زمان امپراطوری روم برمی‌گردد. با این وجود، واتسون (۲۰۰۶: ۵) سرآغاز گردشگری ادبی مدرن را در قرن هجدهم جستجو می‌کند، که آن زمان مردم به قصد دیدن خانه‌ها و آرامگاه‌های نویسندگان مشهور و همچنین چشم‌اندازهایی که نویسندگان از نواحی یا مکان‌های مختلف در آثار خود ارائه می‌دادند، اقدام به سفر می‌کردند. هربرت (Herbert) (۲۰۰۱) نیز معتقد است در گذشته اغلب گردشگران ادبی از افراد فرهیخته و طبقات اجتماعی بالا بوده‌اند و معتقد است: "ریشه سیاحت‌های ادبی به سفرهای دانشمندانی برمی‌گردد که به قصد دیدار از مکان‌های مرتبط با زندگی و آثار نویسندگان مشهور- در زمینه‌هایی چون نثر ادبی، نمایشنامه، شعر- اقدام به سفر و پیمودن مسافت‌های طولانی می‌کردند. از این دیدگاه سیاحان ادبی را می‌توان گردشگرانی تحصیل کرده و فرهیخته به شمار آورد که از سرمایه فرهنگی بالایی برخوردارند، میراث ادبی را ارج می‌نهند و الگوی مصرف متفاوت‌تری نسبت به سایر طبقات اجتماعی دارند" (صص. ۳۱۳-۳۱۲). اما آنچه که سبب رشد انبوه گردشگری ادبی طی بیش از دو دهه اخیر گردیده است را می‌توان در دسترشد اهمیت مفاهیم و ارزش‌های پست‌مدرن جستجو کرد (Herbert, 2001; Lowe, 2012). بر اساس نگرش پست‌مدرن حفظ "اصالت" مکان‌های ادبی از اهمیت بسزایی در مدیریت مقصدهای گردشگری ادبی برخوردار است (Fawcett & Cormack, 2001) در ارتباط با مفهوم گردشگری ادبی تعاریف متنوع و به نسبت متفاوتی وجود دارد که برخی از جدیدترین و کامل‌ترین آنها به شرح زیر است:

«گردشگری ادبی یکی از زیرمجموعه‌های گردشگری فرهنگی و گردشگری میراث است که مکان‌های مرتبط با نویسندگان ادبیات، داستان‌ها و کتاب‌های ادبی، جشنواره‌های ادبی، هنرهای خلاق، و فیلم‌ها و تولیدات رسانه‌ای را در بر می‌گیرد (Hoppen, et, al. 2014)»

گردشگری ادبی فرصتی برای سفر به زادگاه، مکان دفن، خانه، املاک، و محل نگهداری اشیاء بازممانده از شخصیت‌های ادبی است؛ این گونه سفرها تجربه‌های فرهنگی ارزشمندی در پی دارد، فرصتی برای مشارکت در مراسم‌ها و جشنواره‌های ادبی را فراهم می‌سازد، و همچنین زمینه‌ای برای تجسم فضای شکل‌گیری تفکر خلاق و یا محل خلق آثار ادبی فاخر را پدید می‌آورد (Ommundsen, 2014).

اسمیت (Smith) و همکاران (۱۱۰: ۲۰۱۰) بر مبنای شناخت ادبیات مطالعاتی گردشگری ادبی به طور کلی به لحاظ ماهیتی مکان‌های گردشگری ادبی را به سه دسته تقسیم می‌کنند. نخست، "مکان‌های واقعی": این دسته مکان‌ها وجود خارجی دارند و قابل دیدن هستند و محل تولد، زندگی، خلق آثار ادبی، و مرگ، و آرامگاه نویسندگان شناخته می‌شوند. دوم، "مکان‌های تخیلی" (ادراکی). این گونه مکان‌ها بیانگر فضا، محیط و محتوای داستان‌ها و روایت‌ها، اشعار، و فیلم‌ها هستند. سوم، "مکان‌های که بر ساخت اجتماعی دارند" و در راستای توسعه گردشگری ادبی ایجاد می‌شوند، مانند مقصدهای برگزارکننده جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های ادبی و فرهنگی، و مکان‌های برخوردار از موزه ادبی.

۳. روش

روش "تحلیل مضمون" (Thematic Analysis) اساس روش‌شناسی پژوهش حاضر است. تحلیل مضمون یکی از روش‌های پژوهش کیفی در علوم انسانی و اجتماعی شناخته می‌شود. این روش به شناسایی، تجزیه و تحلیل، و استخراج الگوهای مضامین موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها می‌پردازد. (Boyatzis, 1998; Tuckett, 2005) تا کنون پژوهشگران شیوه‌های متنوعی را در اجرای روش تحلیل مضمون به کار برده‌اند. در این پژوهش از روش شش مرحله‌ای به کار گرفته شده توسط براون (Braun) و کلارک (Clarke) (۲۰۰۶) بهره‌گیری شد؛ در این چارچوب نخست پژوهشگر به گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش می‌پردازد و به طور یکجا به خواندن آن‌ها می‌پردازد تا به شناخت کلی از محتوای داده‌های بدست آمده دست یابد و سرانجام مضامین اولیه را شناسایی کند. در اینجا هر گونه متنی یا نوشته‌ای که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع گردشگری ادبی در ایران می‌پردازد، به عنوان منبع داده گردآوری گردید، شامل: مقاله، متن سخنرانی، متن مصاحبه‌های منتشر شده در انواع رسانه‌ها، گزارش‌های علمی و خبری، یادداشت‌ها و نوشته‌های شخصی و غیره. در مرحله دوم کدگذاری داده‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد و بر این اساس مضامین گوناگون

ذیل محورهای اصلی دسته‌بندی می‌شوند. در مرحله سوم مضامین اصلی پس از ادغام مضامین اولیه‌ی دارای مفهوم یکسان و حذف موارد تکراری، خلاصه‌سازی می‌شوند سپس با توجه به ماهیت آن‌ها ذیل مضامین اصلی طبقه‌بندی می‌شوند. سعی می‌شود تا مضامین، به اندازه کافی، خاص، مجزا و غیرتکراری و نیز به اندازه کافی، کلان باشد تا مجموعه ایده‌های مطرح شده در بخش‌هایی از متن را شامل شود. این امر باعث کاهش داده‌ها به مجموع‌هایی از مضامین مهم پذیرفتنی و کنترل‌پذیر می‌شود که مبین چکیده و خلاصه‌ای از متن اصلی است. در گام چهارم بازخوانی مضامین دسته‌بندی شده ذیل مضامین اصلی در دستور کار قرار می‌گیرد. در این چارچوب پژوهش‌گر می‌بایست اطمینان حاصل کند که هر دسته از مضامین بالاترین ارتباط درونی به لحاظ مفهومی و معنایی با یکدیگر را دارند و به عبارت دیگر دارای بالاترین همگونی درونی و بیشترین تفاوت با مضامین بیرونی هستند. گام پنجم هنگامی آغاز می‌شود که پژوهشگر به شبکه‌ی مضامین رضایت‌بخشی رسیده باشد. در این حالت، می‌توان مضامین پیشنهاد شده جهت تحلیل داده‌ها را تعریف و تعدیل می‌شود. در این گام، شبکه‌های مضامین ترسیم شده، بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود. شبکه‌های مضامین، ابزاری برای تحلیل هستند، نه خود تحلیل. این شبکه‌ها به محقق کمک می‌کند تا به درک عمیق‌تری از معانی متون برسد و بتواند مضامین به دست آمده را تشریح کند و الگوهای آن‌ها را بشناسد. پس از ایجاد شبکه‌های مضامین، پژوهشگر باید دوباره به متن اصلی، مراجعه و آن را به کمک این شبکه‌ها تفسیر کند" (Attride-Stirling, 2001)، به نقل از عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). در گام ششم گزارش یافته‌های پژوهش بر اساس تجزیه و تحلیل شبکه مضامین ترسیم شده و ارایه شواهد متنی به نگارش درمی‌آید.

۴. یافته‌های پژوهش

بر این اساس در مجموع حدود ۱۹۴ صفحه متن اعم از مقاله علمی، سخنرانی، مصاحبه و گفتگو، مقاله خبری، گزارش و غیره بدست آمد. این حجم از مطالب حدود ۵۷ هزار ۷۰۰ کلمه جهت تحلیل داده‌های مرتبط با توسعه‌گردشگری ادبی در ایران فراهم آورد. سپس با توجه به اهداف پژوهش، مفاهیم و مضامین مستخرج از فرایند کدگذاری داده‌های متنی ذیل دو محور اصلی مرتبط، شامل "چالش‌ها" و "رهیافت‌های توسعه‌گردشگری ادبی در ایران ساماندهی شدند. در این چارچوب ۸۸ مضمون اولیه درباره‌ی مسائل و مشکلات و موانع توسعه‌گردشگری ادبی و ۱۶۵ مضمون اولیه درباره‌ی راهکارهای توسعه و ترویج

گردشگری ادبی در ایران شناسایی شد. در ادامه به طور جداگانه، به تشریح یافته‌های پژوهش درباره‌ی چالش‌ها و رهیافت‌های توسعه گردشگری ادبی در ایران، بر اساس روش کیفی تحلیل مضمون، پرداخته می‌شود.

۱.۴ چالش‌های توسعه گردشگری ادبی در ایران

یافته‌های پژوهش در چارچوب تحلیل مضمون‌های موجود در داده‌های متنی مرتبط با چالش‌های توسعه گردشگری ادبی در ایران در چارچوب ترسیم شبکه مضامین به ۶ مضمون اصلی و ۴۳ مضمون فرعی دسته‌بندی شد. در زیر به طور جداگانه چالش‌های مورد نظر در چارچوب شبکه مضامین اصلی و فرعی تجزیه و تحلیل می‌شود.

۱.۱.۴ ضعف حمایت از توسعه گردشگری ادبی

بر اساس یافته‌های پژوهش ۱۱ گزاره به عنوان مضمون‌های فرعی ذیل مضمون اصلی *ضعف حمایت از توسعه گردشگری ادبی در ایران* جای می‌گیرند و عبارتند از: باور نداشتن نهادهای فرهنگی کشور به پتانسیل‌های گردشگری ادبی؛ ناکارآمدی نهادهای مسئول در حفاظت از میراث فرهنگ و ادب کشور؛ غفلت از به کار بردن ظرفیت افسانه‌ها و اسطوره‌های ملی در توسعه گردشگری فرهنگی؛ کم‌توجهی دولت به اهمیت میراث ادبی کشور برای توسعه بخش گردشگری؛ کم‌توجهی به میراث مشاهیر ادبی؛

ناتوانی در معرفی پتانسیل ادبیات و میراث ادبی ایران به بازار گردشگری؛ غفلت از میراث ادبی ایران به عنوان منبع الهام برای ادبیات جهان؛ عملکرد شعاری مسئولان در پرداختن به گردشگری فرهنگی و ادبی؛ بی‌توجهی به ضرورت تغییر الگوی گردشگری از تاریخی صرف به ادبی و فرهنگی؛ تخریب و یا نابودی میراث مادی بسیاری از مفاخر ادبی؛ بی‌توجهی سازمان‌ها و نهادهای مسئول به ظرفیت‌های میراث ادبی بومی و فولکلور محلی. در این زمینه یک کارشناس مطالعات گردشگری می‌گوید:

گردشگری ادبی در ایران به عنوان کشور مهد ادبیات تا کنون مغفول باقی مانده است. این ناکامی می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد اما مهم‌ترین آن بی‌توجهی مسئولان در استفاده از ظرفیت‌های ادبی کشور است... راهبردی مشخص برای استفاده از این ظرفیت‌ها تعریف نشده است... در سایه کم‌توجهی مسئولان کسی چه می‌داند که خانه

جلال آل احمد یا... کجاست و آیا اصلاً امکان بازدید از آن‌ها وجود دارد یا خیر (خمامی‌زاده، ۱۳۹۴).

۲.۱.۴ شایسته نبودن جایگاه کنونی گردشگری ادبی

مباحث مطرح شده پیرامون مضمون اصلی شایسته نبودن جایگاه کنونی گردشگری ادبی در ایران بیشتر وضعیت کنونی ایران در بازار گردشگری ادبی در جهان را مورد نقد قرار می‌دهد، و به طور کلی ۵ مضمون فرعی را در برمی‌گیرد، شامل: عقب ماندگی شهرهای ادبی ایران نسبت به شهرهای ادبی جهان؛ نداشتن جایگاه قابل توجه در بخش گردشگری جهانی؛ بهره نبردن از سرمایه‌های فرهنگ و ادب ایران برای توسعه گردشگری ادبی؛ کم‌توجهی به میراث ادبی و کمرنگ شدن هویت ادبی شهرهای ادبی ایران؛ ناشناخته ماندن جذابیت‌های گردشگری ادبی موجود در شهرهای ایران. به طور مثال می‌توان به موارد زیر از دو پژوهشگر مطالعات گردشگری اشاره کرد:

...ایران با غنای ادبی که دارد و با وجود شاعرانی چون سعدی، حافظ، فردوسی تا خیام و عطار و باباطاهر چه رونقی می‌تواند به صنعت گردشگری دهد؛ اما متأسفانه هنوز این نوع گردشگری در ایران جایگاهی ندارد و به همین دلیل ایران هم از درآمد آن محروم است و هم اینکه برخی از ظرفیت‌های این صنعت رو به نابودی است (زارع، ۱۳۹۵).

ایران علیرغم برخورداری از پتانسیل‌های بسیار بالا در این خصوص آن‌طور که شایسته است نتوانسته خود را به عنوان یک قطب گردشگری ادبی با معرفی شاعران و مشاهیر به عنوان برند گردشگری ادبی مطرح نماید و از اثرات مثبت آن بهره جوید (صیامیان گرجی، ۱۳۹۱).

۳.۱.۴ ضعف حفاظت از میراث ادبی کشور

در مجموع مباحث مطرح شده پیرامون مضمون اصلی ضعف حفاظت از میراث ادبی کشور ۵ مضمون فرعی را در بر می‌گیرد، شامل: ناتوانی در حفظ اصالت بسیاری از مکان‌های ادبی؛ ضعف در جلوگیری از مصادره میراث ادبی ایران؛ تخریب و تغییر کاربری خانه‌های مشاهیر ادبی؛ قانون ارث و مساله مالکیت خانه‌های مشاهیر ادبی معاصر؛ نبود راهبردهای مناسب در حفاظت از میراث ادبی. به طور مثال در این زمینه چنین آمده است:

تغییر کاربری خانه های تاریخی کشور که خانه بزرگان ادب و هنر کشور هم در لیست آنها قرار دارد، قصه امروز و دیروز نیست و هر از چند گاهی با گزارشی در رسانه ها روبه‌رو می‌شویم... خانه‌ای که مهد ادب و هنر یک کشور... در خطر نابودی قرار می‌گیرد. اما ممالکی وجود دارند که خانه‌های هنرمندان چند صد سال پیش را هم باقی نگه داشته‌اند... (جوان آنلاین، ۱۳۹۱).

۴.۱.۴ ناشناخته ماندن ظرفیت‌های گردشگری ادبی

مباحثی که ذیل مضمون اصلی *ناشناخته ماندن ظرفیت‌های گردشگری ادبی* مطرح می‌شوند ۵ مضمون فرعی را در برمی‌گیرد و عبارتند از: نبود برنامه‌ای مشخص برای توسعه گردشگری ادبی در سازمان‌ها و نهادهای اجرایی؛ غفلت از قابلیت‌های فضای مجازی در توسعه گردشگری ادبی؛ نداشتن مسیرهای ادبی مطابق ظرفیت فراوان ادبیات در ایران؛ نبود شناختی درست از ظرفیت‌های متنوع گردشگری ادبی؛ نبود شناخت کافی از گردشگری ادبی نزد مردم ایران. یک کارشناس گردشگری در این باره می‌گوید:

کشور ایران به واسطه ادبیات عرفانی و فرهنگ کهن خود، از جمله مقاصد در دنیا است که دارای پتانسیل زیاد برای توسعه گردشگری ادبی است که تاکنون کمتر بدان توجه شده است... این مهم نیاز به برنامه‌ریزی موثرتر و کارآمد جهت بهره‌مندی از این میراث فرهنگی - معنوی دارد. یکی از اولین گام‌ها، طراحی محور و مسیر ویژه گردشگری ادبی است (فراهانی، ۱۳۹۵).

۵.۱.۴ محدودیت امکانات و زیرساخت‌های توسعه گردشگری ادبی

مباحثی که پیرامون مضمون اصلی *محدودیت امکانات و زیرساخت‌های توسعه گردشگری ادبی* مطرح می‌شود، ۱۰ مضمون فرعی را دربردارد، شامل: کمبود امکانات پذیرایی از گردشگران ادبی؛ نبود موزه‌های ادبی در ایران؛ نبود مکان‌های ادبی ساختگی؛ حرفه‌ای نبودن بسیاری از تورگردان‌ها در ایران؛ نبود سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری ادبی؛ جذاب نبودن برخی از بناهای ادبی ساخته شده ایران؛ ضعف در مکان‌مندی و زمان‌مندی ادبیات ایران؛ نداشتن درکی درست از اهمیت میراث ادبی در توسعه گردشگری ادبی؛ ناتوانی در شناساندن شخصیت‌های ادبیات پارسی به جهانیان؛ کمبود آثار سینمایی و تلویزیونی به عنوان محرک گردشگری ادبی. دو پژوهشگر جغرافیای ادبی در این زمینه می‌نویسند:

تا کنون هیچ طرح و برنامه‌ی جامعی تهیه نشده است تا این نوع گردشگری را جهت‌دهی و سامان‌دهی کند... ناشناخته ماندن آثار مکان‌مند از مشکلات مهمی است که بر سر راه گردشگری ادبی ایران قرار دارد (سیدقاسم و نوح پیشه، ۱۳۹۵: ۸۸).

۶.۱.۴ برداشت نادرست و نگرش محدود از گردشگری ادبی

این بخش از یافته‌ها بر فهم ناقص و یا نادرست از ماهیت گردشگری ادبی در سطح عام و در سطح نهادهای اجرایی و متولی حوزه فرهنگ تاکید دارد. بر اساس یافته‌ها ۷ مضمون فرعی شناخته شده در این باره عبارتند از: نبود خلاقیت در آفرینش جاذبه ادبی؛ ناشناخته ماندن ابعاد متنوع گردشگری ادبی؛ نبود نگرش مثبت نسبت به برخی مشاهیر ادبی نزد متولیان فرهنگی؛ شناخت اندک از میراث مادی شاعران و نویسندگان بزرگ معاصر؛ برداشت محدود از گردشگری ادبی در حد دیدن آرامگاه ادیبان؛ نبود برداشتی درست از مفهوم گردشگری ادبی در سطوح مدیریتی و اجرایی کشور؛ محدود دانستن جغرافیای ادبی به برخی شهرهای شاخص چون شیراز. در این زمینه می‌توان به بخشی از سخنان دو نویسنده ادبیات معاصر در ایران اشاره کرد:

گردشگری ادبی به معنا و مفهوم امروزی آن در کشور ما تعریف نشده و سابقه چندانی ندارد، ... که انتظار داشته باشیم در کشور ما هم مثل کشورهای دیگر مورد اقبال قرار گیرد (گلبو، ۱۳۹۳).

گردشگری ادبی ما در بازدید از مقابر سوت و کور خلاصه می‌شود. اگر به قونیه می‌روند تا مقبره مولانا را ببینند با مجموعه‌ای آشنا می‌شوند؛ سماع هست؛ موسیقی هست اما اینجا همه چیز در یک سنگ قبر خلاصه می‌شود (اصالانی، ۱۳۹۳).

۲.۴ رهیافت‌های توسعه‌ی گردشگری ادبی در ایران

یافته‌های پژوهش در چارچوب تحلیل مضامین موجود در داده‌های متنی مرتبط با رهیافت‌های توسعه گردشگری ادبی در ایران در چارچوب ترسیم شبکه مضامین به ۱۰ مضمون اصلی و ۶۹ مضمون فرعی دسته‌بندی شد. در زیر به طور جداگانه رهیافت‌های یاد شده در چارچوب شبکه مضامین اصلی و فرعی با بیان شواهد مربوط به آن‌ها تشریح می‌شوند.

۱.۲.۴ حمایت دولت از توسعه گردشگری ادبی

در ارتباط با مضمون اصلی حمایت دولت از گردشگری ادبی ۹ مضمون فرعی بدین شرح شناسایی شد: بکارگیری دیپلماسی فرهنگی در راستای توسعه گردشگری ادبی؛ ایجاد چارچوب قانونی برای فعالیت مردم و نهادهای غیردولتی؛ حمایت مالی دولت از برگزاری و رونق بخشی به انواع رخداد ادبی؛ بازسازی و احیای جاذبه‌های میراث ادبی؛ کمک به ایجاد تجربه‌های رضایت بخش از سفرهای ادبی؛ نهادسازی و سازماندهی؛ تسهیل سرمایه‌گذاری؛ بهره‌گیری از پتانسیل فراوان ادبیات ایران برای توسعه گردشگری ادبی؛ به فعلیت درآوردن ظرفیت‌های بالقوه. اهمیت این موضوع تا جایی است که از شش هدف مورد نظر برای برگزاری همایش ملی گردشگری ادبی (۱۳۹۱) در ایران دو هدف بر نقش دولت متمرکز شده است، شامل "گردهم آوردن سه راس مثلث دولت، صنعت و دانشگاه جهت هم‌اندیشی و همکاری در رابطه با چگونگی توسعه هر چه بهتر و پایدارتر گردشگری ادبی در سطح منطقه‌ای، ملی و محلی" و دیگری، "ترغیب دولت و صنعت برای متنوع‌سازی محصول گردشگری کشور با تمسک به دارایی‌های غنی ادبی کشور".

۲.۲.۴ شناخت و طراحی مسیر ادبی

از برآیند مجموعه مباحث مطرح شده پیرامون مضمون اصلی طراحی مسیرهای ادبی ۷ مضمون فرعی بدین شرح مطرح شده است، شامل: آشناساختن فعالان گردشگری و گردشگران با انواع مسیر ادبی؛

طراحی مسیر ادبی سفرنامه‌های مشهور؛ معرفی جغرافیای ادبی آثار و نویسندگان ادبیات؛ شناسایی و باز زنده‌سازی مکان‌ها و مسیرهای ادبی؛ معرفی مسیرهای گردشگری ادبی بر اساس متون ادبی؛ کارتوگرافی مسیرهای ادبی؛ برنامه‌ریزی تور گردشگری در امتداد مسیرهای ادبی. به طور مثال یکی از کارشناس گردشگری در این باره می‌گوید:

گردشگری ادبی یکی از گونه‌های گردشگری فرهنگی است که علاوه بر روایت‌پذیری نسبت به مسیرهایی که توسط مشاهیر رخ داده، شکل می‌گیرد... در ایران نیز می‌توان برای هرکدام از این شاعران و فیلسوفان مسیر گردشگری تعریف کرد و به بهانه روز تولد و روز بزرگداشت آنها این مسیرها را معرفی و درصدد جذب گردشگر برآمد؛ البته تعریف مسیر برای گردشگری ادبی نیازمند انجام تحقیقات علمی، تعریف مفاهیم

پایه‌ای و احیای هویت تاریخی است و برای رونق این نوع گردشگری باید به این امور توجه شود (حکمت‌نیا، ۱۳۹۵).

۳.۲.۴ توسعه مکان‌های ادبی

در ارتباط با مضمون اصلی توسعه مکان‌های ادبی ۱۳ مضمون فرعی شناسایی شد، شامل: اقتباس از آثار ادبی برای طراحی و ساخت مکان‌های گردشگری ادبی؛ بکارگیری دیپلماسی فرهنگی در ثبت جهانی آثار مشهور میراث ادبی؛ ساخت مکان ادبی نمادین در مکان مرتبط با حماسه و اسطوره و افسانه ملی؛ ساخت و توسعه موزه‌ها، شهرکتاب و شهرک‌های ادبی؛ بهره‌گیری از داستان‌های فرهنگ عامه در ساخت مکان‌ها یا جاذبه‌های ادبی؛ بازسازی و شناسایی مکان‌های مرتبط با زندگی شاعران؛ کارتوگرافی ادبی آثار مشهور ادبیات شعر و نثر کشور؛ مکان‌یابی جاذبه‌های ادبی بر اساس روایت‌های ادبی؛ معرفی مکان‌ها و منازل مطرح در روایت‌های ادبی؛ بازسازی یادمان‌ها و مکان‌های ادبی با رعایت حفظ اصالت آنها؛ طراحی مناسب آرامگاه شخصیت‌های ادبی؛ توسعه و ترویج گردشگری ادبی با بهره‌گیری از قابلیت‌های مکان‌های ادبی؛ طراحی بناهای ادبی متناسب حال و هوای شخصیت و شعر و نثر نویسندگان. در این باره یک پژوهشگر گردشگری می‌گوید:

مکان‌هایی که با خود فرهنگ و ادبیات یک کشور را حمل می‌کنند، جاذبه گردشگری ادبی هستند. ادبیات در ایران قدمتی هزاران ساله دارد. هزاران شاعر و نویسنده و ادیب در این سرزمین زیسته‌اند که خانه‌ها و مقبره‌هایشان می‌تواند میعادگاه علاقه‌مندان به ادبیات و گردشگری باشد (شمس، ۱۳۹۲).

۴.۲.۴ رونق بخشی به برگزاری انواع رویداد ادبی

در ارتباط با مضمون اصلی رونق بخشی به برگزاری انواع رویداد ادبی ۷ مضمون فرعی بدین شرح شناسایی شد: حمایت از خلاقیت‌ورزی در برگزاری اجراهای گوناگون فرهنگی-ادبی؛ رونق بخشی به انواع جشنواره ادبی؛ برگزاری یادبود و بزرگداشت مشاهیر ادبی؛ برپایی برنامه‌های متنوع در مکان‌ها و فضاهای ادبی؛ برگزاری رویدادهای متنوع ادبی در شهرهای ادبی؛ معرفی مشاهیر ادبی به جهانیان از طریق برگزاری انواع رویداد ادبی؛ رونق بخش به برگزاری انواع همایش ادبی. در این زمینه یک پژوهشگر گردشگری معتقد است:

در برگزاری جشنواره‌های ادبی، همچون مراسم بزرگداشت زادروز فردوسی... لازم می‌نماید که علاوه بر بعد علمی و ادبی، جنبه‌های گردشگری ادبی نیز مدنظر قرار گیرد و هم‌زمان با جشنواره ادبی به عنوان یک گردشگری رویداد هم‌پیوند با گردشگری ادبی، اقدامات لازم صورت پذیرد تا ضمن گستره حوزه نفوذ داخلی، حوزه نفوذ خارجی نیز گسترش یابد (سقایی، ۱۳۹۳).

۵.۲.۴ آموزش و فرهنگ‌سازی گردشگری ادبی

درباره مضمون اصلی آموزش و فرهنگ‌سازی گردشگری ادبی ۶ مضمون فرعی شناسایی شد، شامل: جلب مشارکت نخبگان و کارآفرینان موفق در دانش‌افزایی بخش اجرایی کشور؛ ساخت فیلم‌ها و سریال‌های مروج فرهنگ گردشگری ادبی؛ برنامه‌های تشویق عمومی چون مسابقه کتابخوانی ادبی، سفرنویسی ادبی، تشویق خلاقیت‌های فردی؛ آشناساختن دانش‌آموزان با میراث فرهنگی-ادبی در برنامه‌های آموزشی؛ دانش‌افزایی زمینه‌های نوین در گردشگری ادبی؛ بالابردن دانش ادبی و آگاهی عموم مردم از میراث ادبی. در این زمینه یکی از فعالان حوزه گردشگری ادبی در ایران می‌گوید:

از آنجا که ادبیات کهن و معاصر ما اکنون در سایه ادبیات سایر ملل تا حدودی رنگ باخته و از سوی اقشار مختلف کشور به ویژه جوانان نادیده گرفته می‌شود، در جهت معرفی آن به جهانیان و تقویت جایگاه آن در میان شهروندان جامعه خویش باید به شیوه‌های جذاب‌تر، خلاقانه‌تر و کمتر نخبه‌گرا اندیشیده شود. یکی از این شیوه‌ها که رهیافت‌های فراوانی برای جامعه در پی دارد پیوند صنعت گردشگری با میراث ادبی کشور است (نورآقایی، ۱۳۹۱).

۶.۲.۴ بازاریابی تورهای گردشگری ادبی

در ارتباط با مضمون اصلی بازاریابی تورهای گردشگری ادبی ۹ مضمون فرعی بدین شرح شناسایی شد: قرارداد گردشگری ادبی در بسته‌های تور تلفیقی؛ بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی مجازی الکترونیک برای بازاریابی تورهای ادبی؛ عرضه‌ی تورهای گردشگری ادبی بر اساس شناخت دقیق بازار؛ بهره‌گیری از تجربه کشورهای موفق در ترویج و بازاریابی گردشگری ادبی؛ گنجاندن گردشگری ادبی در بسته‌های تور گردشگری؛ شناخت روش‌های بازاریابی مناسب برای فروش تورهای ادبی؛ بهره‌گیری از تبلیغات محیطی (واقعی و مجازی) برای بازاریابی تورهای ادبی؛ حمایت از فعالان بخش گردشگری برای

عرضه تورهای ادبی؛ عرضه بسته‌های متنوع تور فرهنگی-ادبی به گردشگران. در این زمینه یکی از فعالان و کارشناسان گردشگری فرهنگی با تاکید بر نگاه تخصصی به تورهای ادبی می‌گوید:

ما به توس و نیشابور می‌رویم و از آرامگاه خیام و عطار و فردوسی و مهدی اخوان ثالث دیدن می‌کنیم اما تور ادبی، معنا و مفهوم خاص خود را دارد. یک تور کامل تخصصی با مخاطبان خاص و راهنمایان خاص و آشنا به ادبیات و شعر است (نورآقایی، ۱۳۹۳).

۷.۲.۴ تبدیل خانه نویسندگان به جاذبه گردشگری ادبی

در ارتباط با مضمون اصلی تبدیل خانه نویسندگان به جاذبه گردشگری ادبی ۷ مضمون فرعی بدین شرح شناسایی شد: مرمت و بازسازی خانه‌های شاعران و نویسندگان مشهور؛ حفاظت و نگهداری از خانه نویسندگان به عنوان میراث فرهنگی کشور؛ حفاظت از اصالت خانه نویسندگان به عنوان جاذبه ادبی؛ ثبت ملی خانه نویسندگان مشهور؛ رفع موانع حقوقی تبدیل خانه نویسندگان به جاذبه ادبی؛ توجه به خانه نویسندگان به عنوان جاذبه گردشگری در برنامه‌های بازاریابی مقصد؛ تبدیل خانه نویسندگان به موزه ادبی. در این زمینه طی گزارشی درباره‌ی خانه یکی از نویسندگان معاصر چنین آمده است:

در کشور ما به‌رغم وجود چهره‌های موفق و درخشان در عالم فرهنگ و هنر تقریباً هیچ اقدام جدی برای حفظ خانه‌های هنرمندان انجام نشده ... خانه روزگار نوجوانی جلال آل‌احمد... می‌تواند محل خوبی برای علاقه‌مندان به این نویسنده و همچنین فضایی برای معرفی او به گردشگران فرهنگی ایرانی و غیرایرانی باشد (مرتضایی فرد، ۱۳۹۵).

۸.۲.۴ حفاظت از میراث ادبی

ضرورت حفاظت از میراث ادبی به عنوان یکی از مضامین اصلی توسعه گردشگری ادبی در ایران شناسایی شد که در بردارنده‌ی ۳ مضمون فرعی بدین شرح است: حفاظت از میراث فرهنگی-ادبی از طریق اجماع نهادی و مشارکت جمعی؛ مردمی کردن حفاظت از میراث ادبی در ابعاد مادی و معنوی؛ جلب مشارکت مردم در حفاظت از میراث ادبی. در این زمینه یکی از مسئولان بخش گردشگری می‌گوید:

یکی از میراث غنی ایرانیان... ادبیات آن است. ادبیات تجلی گاه خلاقیت و خودباوری است... ادبیات حوزه فرهنگی ایران زمین نیز به سبب غنا و تنوع غیرقابل انکار آن... گنجینه‌ای است که (حفاظت از آن) می‌تواند اعتلای نام ایران را به دنبال داشته باشد... پیوند صنعت گردشگری با میراث ادبی نیازمند برنامه‌ریزی منسجم است (سروش‌مقدم، ۱۳۹۳).

۹.۲.۴ بسترسازی برای فعالیت تخصصی در گردشگری ادبی

در ارتباط با مضمون اصلی بسترسازی برای فعالیت تخصصی در گردشگری ادبی ۵ مضمون فرعی بدین شرح شناسایی شد: ارایه تسهیلات به متخصصان گردشگری برای فعالیت در زمینه گردشگری ادبی؛ حمایت از فعالیت افراد متخصص در زمینه گردشگری ادبی؛ ایجاد رسانه‌های تخصصی گردشگری؛ حمایت از تاسیس آژانس‌های تخصصی در زمینه گردشگری فرهنگی-ادبی؛ آموزش تخصصی نیروی انسانی فعال در بخش گردشگری فرهنگی-ادبی. در این زمینه مهرورز (۱۳۹۴) در مقدمه پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «شناسایی ظرفیت‌های گردشگری ادبی در استان گیلان» چنین آورده است:

امروزه با رقابتی شدن صنعت جذب گردشگر در سراسر جهان و تخصصی شدن روزافزون این حوزه، نیاز به تبلیغات و ترویج فرهنگی و اطلاع‌رسانی (با رویکرد تخصصی)، بسیار احساس می‌شود. ایران با داشتن زیربنای عمیق فرهنگی و ادبی از ایجاد قطب‌های تصنعی گردشگری تا حد زیادی بی‌نیاز است، با این حال اهمیت چندانی به دارایی‌های فراوان کشور در این حوزه داده نمی‌شود.

۱۰.۲.۴ کارتوگرافی ادبی و تهیه نقشه گردشگری ادبی

سرانجام کارتوگرافی ادبی و تهیه نقشه‌ی ادبی به عنوان یکی دیگر از مضمون‌های اصلی مرتبط با جغرافیای ادبی ایران شناخته شد که با ۳ مضمون فرعی بدین شرح همراه است: کارتوگرافی ادبی مکان‌ها و مسیرهای ادبی؛ تهیه نقشه‌ی گردشگری برای آثار ادبی مشهور؛ کارتوگرافی ادبی در مقیاس‌های مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی. در این زمینه سیدقاسم و نوح پیشه (۱۳۹۵) با اشاره به طرح نقشه ادبی ایران می‌گویند:

هدف غایی این طرح آن است که نقشه‌ای چندلایه با اهداف پژوهشی و گردشگری برای تمام شهرهای ایران طراحی شود که در آن دیگر مولفه‌های مهم در نقشه ادبی

نظیر محل تولد نویسندگان و شاعران و مکان وقوع روایت‌های داستانی نیز لحاظ شده باشد (ص. ۹۸).

۵. نتیجه‌گیری

از نیمه سده بیستم میلادی بسیاری از دولت‌ها توسعه بخش گردشگری را به عنوان یکی از صنایع خدماتی در راستای راستای رشد و توسعه اقتصادی کشورهای خود به کار گرفته‌اند، تا جایی که امروزه بخش گردشگری از بزرگ‌ترین بخش‌های اقتصادی در جهان شناخته می‌شود. الگوهای گوناگون گردشگری فرهنگی همچون گردشگری ادبی در مقایسه با دیگر شاخه‌های بخش گردشگری، از ظرفیت‌های ارزشمند و غنی برخورداراند. همچنین به اعتقاد اغلب کارشناسان و پژوهشگران مطالعات گردشگری این شاخه از گردشگری اثرات منفی کمتری بر جامعه و محیط زیست به جای می‌گذارد و توسعه آنها می‌تواند از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی به درآمدزایی و توسعه اقتصادی بیانجامد. در این پژوهش برآیند تحلیل مضامین مرتبط با چالش‌ها و رهیافت‌های توسعه گردشگری ادبی در ایران دربردارنده دستاوردهایی است که می‌تواند برای ذینفعان گوناگون بخش گردشگری بویژه گردشگری فرهنگ و میراث ادبی کاربردی و راهگشا باشد.

در مجموع می‌توان گفت مفهوم گردشگری ادبی شاخه‌ای نو از گردشگری فرهنگ و میراث و گردشگری خلاق شناخته می‌شود. این نوع از گردشگری طیف گسترده‌ای از مکان‌ها و جاذبه‌های ادبی را در بر می‌گیرد (مانند: مکان‌های واقعی، تخیلی و ساختگی؛ مکان ساخت فیلم؛ مکان برگزاری رویداد ادبی، شهرکتاب؛ موزه‌های ادبی؛ مسیر ادبی؛ مکان‌های مرتبط با افسانه و اسطوره؛ خانه نویسندگان؛ مکان گردشگری خلاق) و لازم است در ادبیات مطالعات علمی و آکادمیک و همچنین در سطوح اجرایی این تنوع در کانون توجه قرار گیرد تا از نگاه تک بعدی و محدود به گردشگری ادبی پرهیز شود. همچنین رشد گردشگری ادبی برآمده از عوامل انگیزشی متنوعی در سطح جامعه است (مانند: میراث فرهنگی-ادبی، آثار ادبی، شخصیت ادبی و هنری، مکان و فضای ادبی، مکان هنری، حس مکان، شرکت در رویدادهای ادبی و غیره)؛ بنابراین لازم است در شناخت گردشگران ادبی همچنین در برنامه ریزی و مدیریت و بازاریابی گردشگری ادبی انگیزه‌های گوناگون گردشگری ادبی مورد توجه قرار گیرد. از آنجایی که تا کنون گردشگری ادبی در سطح جامعه ایرانی بیشتر "محدود به دیدن آرمگاه مشاهیر ادبی" بوده است، لازم است از

طریق بسط ابعاد مفهومی و شناختی گردشگری ادبی در سطح جامعه بویژه از طریق انواع نهادهای آموزشی و رسانه‌ای شناخت درستی از مفهوم گردشگری ادبی و زمینه‌های گوناگون آن فراهم شود. گردشگری ادبی همانند اغلب شاخه‌های گردشگری دارای سرشت و "ماهیتی میان رشته‌ای است" بنابراین در توسعه ادبیات علمی گردشگری ادبی و همچنین در سطوح اجرایی و توسعه‌ای لازم است طیف گسترده‌ای از تخصص‌های مرتبط بهره‌گیری شود، بویژه جغرافیا، ادبیات و شاخه‌های گوناگون مطالعات فرهنگی و میراث.

بر مبنای شناخت "چالش‌ها" یا "مسائل و مشکلات توسعه گردشگری ادبی" می‌توان گفت، گردشگری ادبی نیازمند حمایت همه جانبه دولت، متولیان بخش گردشگری و نهادهای اجتماعی و فرهنگی است و لازم است مسئولان اجرایی کشور در سطوح عالی مدیریتی بسترهای لازم برای مشارکت ذینفعان گوناگون در توسعه گردشگری ادبی را فراهم سازند؛ با توجه به ضعف جایگاه کنونی ایران در بخش گردشگری جهانی از جمله گردشگری فرهنگی-ادبی، شایسته است از پتانسیل‌های فراوان موجود در این زمینه برای عرضه به بازار گردشگری جهانی بهره‌گیری شود؛ میراث فرهنگی و ادبی کشور سرمایه‌ای ارزشمند برای نسل‌های کنونی و نسل‌های آینده است و حفاظت از آن نیازمند استراتژی‌های کارآمد و اقدامات عملی راهگشا است؛ ایران از جمله کشورهایی است که دارای ظرفیت‌های بسیار متنوع در زمینه گردشگری فرهنگ و میراث و بویژه ادبیات غنی است که تا کنون ظرفیت‌های غنی و گوناگون گردشگری ادبی کشور برای گردشگران ناشناخته مانده است و در نتیجه لازم است اقدامات همه‌جانبه‌ای برای معرفی این ظرفیت‌ها به گردشگران به عمل آید؛ گردشگری ادبی همانند دیگر اشکال و الگوهای گردشگری نیازمند امکانات و زیرساخت‌های خاص خود است که بدون آن‌ها سخن گفتن از توسعه گردشگری ادبی بیهوده خواهد بود؛ بر این پایه لازم است مدیران و متولیان بخش گردشگری و همچنین مدیریت محلی در نواحی برخوردار از جاذبه ادبی ایجاد امکانات و زیرساخت‌های لازم برای توسعه گردشگری ادبی را در برنامه‌های اجرایی و عمرانی خود جای دهند؛ با توجه به برداشت نادرست و نگرش محدود از گردشگری ادبی در سطح جامعه، لازم است ترویج و توسعه گردشگری ادبی در سطح جامعه بر پایه‌ی شناختی درست و منطقی صورت پذیرد.

یافته‌ها و نتایج پژوهش پیرامون "راهکارها" یا "رهیافت‌های توسعه گردشگری ادبی در ایران" دربر دارنده‌ی گزاره‌هایی است که بر رویکردها و راهبردهای گوناگون در زمینه

توسعه و ترویج گردشگری ادبی تاکید دارند. بر پایه‌ی نتیجه‌گیری از این بخش از یافته‌ها می‌توان پیشنهادهایی بدین شرح ارائه داد: گردشگری ادبی همانند کل بخش گردشگری نیازمند حمایت دولت و نقش تسهیل‌کننده نهادهای دولتی است؛ لازم است شناخت و طراحی انواع مسیرهای ادبی به عنوان یکی از مهمترین جاذبه‌های گردشگری ادبی خلاق در دستور کار مدیران و برنامه‌ریزان بخش گردشگری قرار گیرد؛ مدیران و برنامه‌ریزان بخش گردشگری می‌بایست مکان‌ها و فضاهای ادبی (جغرافیای ادبی) را به عنوان بستر اصلی توسعه گردشگری ادبی را شناسایی کنند و استراتژی‌ها و اقدام‌های اجرایی کارآمدی را برای توسعه گردشگری ادبی در قلمرو جغرافیای ادبی به کار گیرند؛ مدیران و برنامه‌ریزان بخش گردشگری می‌بایست رونق بخشی به انواع رویدادهای ادبی را به عنوان یکی از اقدامات اساسی در توسعه گردشگری ادبی به کار گیرند؛ تحریک تقاضای گردشگری ادبی در سطح جامعه و بخش گردشگری نیازمند آموزش و فرهنگ‌سازی از طریق نهادهای گوناگون آموزشی و فرهنگی است؛ تولید بسته‌های متنوع تور ادبی و بکارگیری روش‌های بازاریابی مناسب در این زمینه لازمی توسعه بازار گردشگری ادبی و رونق بخشی به آن است؛ میراث به جای مانده از نویسندگان و مشاهیر ادبی یکی از برجسته‌ترین زمینه‌های جذاب در توسعه گردشگری ادبی است. خانه نویسندگان از ارزشمندترین جاذبه‌های میراث ادبی شناخته می‌شوند که حفاظت، نوسازی و توسعه آنها از مهمترین راهکارهای توسعه به گردشگری ادبی شناخته می‌شود؛ پایداری گردشگری ادبی نیازمند حفاظت و بهره‌گیری از انواع میراث ادبی برای است؛ لازم است مدیران و برنامه‌ریزان بخش گردشگری بسترسازی لازم برای فعالیت تخصصی در زمینه گردشگری ادبی را فراهم کنند؛ مدیران و برنامه‌ریزان بخش گردشگری لازم است بر پایه‌ی جغرافیای ادبی جاذبه‌های فرهنگی-ادبی کارتوگرافی ادبی و تولید تهیه نقشه‌های ادبی را به عنوان یکی از ابزارهای کاربردی در این زمینه را مورد توجه قرار دهند. سرانجام می‌توان گفت، در مقطع کنونی می‌بایست مدیران و مسئولان فرهنگی کشور گردشگری ادبی را به عنوان عاملی برای کمک به گسترش دیپلماسی فرهنگی و شکوفایی فرهنگ و ادب مورد حمایت قرار دهند. و در سطح مدیریت کلان مسئولان کشور و مدیران سیاسی می‌بایست از توسعه گردشگری فرهنگی-ادبی به عنوان عاملی برای رونق اقتصادی کشور و همچنین افزایش خودآگاهی فرهنگی-ادبی و ایجاد وحدت ملی حمایت نمایند.

کتاب‌نامه

سعیدی، علی اصغر، بهشتی، سیدمحمد، رضوانی، رضا. (۱۳۹۱). موانع اساسی سیاست گذاری گردشگری از نظر نخبگان، برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال اول، شماره ۲، صص. ۳۳-۵۶.

سیدقاسم، لیلا؛ نوح پیشه، حمیده. ۱۳۹۵. جغرافیای ادبی و شاخه‌های آن: معرفی مطالعات نوین بینارشته‌ای در ادبیات. دوره ۹، شماره ۳۳، صص. ۱۰۸-۷۷.

محرابی، جواد، خلیلی، شورینی، سیاوش، خلفی، احمد. (۱۳۸۹). بررسی موانع توسعه صنعت گردشگری در جمهوری اسلامی ایران، مدیریت توسعه و تحول، دوره ۴، شماره ۹، صص. ۱-۱۰.

مهرورز، طراوت. (۱۳۹۴). شناسایی ظرفیت‌های گردشگری ادبی در استان گیلان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری. دانشگاه گیلان: پژوهشکده گیلان‌شناسی.

- Andersen, H. C., & Robinson, M. (2002). *Literature and tourism: Reading and writing tourism texts*. London: Continuum.
- Bell, David., Oakley, Kate. (2014). *Cultural Policy*. Routledge.
- Du Cros, Hilary; McKercher, Bob. (2015). *Cultural tourism*. Second edition. Routledge.
- Fawcett, C., Cormack, P. (2001) Guarding authenticity at literary tourism sites. *Annals of Tourism Research*, 28 (3), pp. 686-704.
- Herbert, D. (2001). Literary places, tourism and the heritage experience. *Annals of Tourism Research*, 28(2), pp. 312-333.
- Hoppen, A., Brown, L., Fyall, A. (2014). Literary tourism: Opportunities and challenges for the marketing and branding of destinations ?*Journal of Destination Marketing & Management* 3, pp. 37-47.
- Lowe, H.I. (2012). *Mark Twain's Homes and Literary Tourism*. University of Missouri Press.
- MacLeod, N., Hayes, D., Slater, A. (2009) Reading the Landscape: The Development of a Typology of Literary Trails that Incorporate an Experiential Design Perspective. *Journal of Hospitality Marketing & Management*, 18:2-3, pp. 154-172.
- Ommundsen, W. (2014). If it is Tuesday, this is must be Jane Austen literary tourism and the heritage industry. Available in: [<http://www.textjournal.com.au> (12/23/2014)]
- Smith, Melanie; MacLeod, Nicola; Hart Robertson, Margaret. (2010). *Key Concepts in Tourist Studies* SAGE Publication.
- Stiebel, Lindy. (2007). Going on (literary) pilgrimage: constructing the Rider Haggard literary trail. Lindy Stiebel, *English Studies*, UKZN.
- Tally, Robert T. (2013). *Spatiality*. Abingdon and New York: Routledge.
- Urry, J. 1990 *The Tourist Gaze: Leisure and Travel in Contemporary Societies*. London: Sage.
- Yamashita, Shinji. (2016). "Cultural tourism", in: Jafari, Jafar. *Encyclopedia of Tourism*. Springer International Publishing. pp. 212-213.
- Yiannakis, J.N., Davies, A. (2012) Diversifying rural economies through literary tourism: A review of literary tourism in Western Australia. *Journal of Heritage Tourism* 7 (1), 33-44.

منابع اینترنتی

- اصلائی، محمدرضا. (۱۳۹۳). گفتگوی خبری: روز جهانی گردشگری. گزارشگر: زهره نیلی. [http://www.mehrnews.com/news/1393/07/05]
- جوان‌آنلاین. (۱۳۹۱). خانه مشاهیر ادبیات در سرایشی زوال. [http://www.javanonline.ir/fa/news/1391/05/24]
- حکمت‌نیا. (۱۳۹۵). مسافری به نام «سعدی» در دل گردشگری ادبی. [https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/01/31]
- خمامی‌زاده، الناز. (۱۳۹۴). طلسم گردشگری ادبی ایران همچنان قفل است. [http://www.donyayesafar.com/n/1394/06/25]
- زارع، حکیمه. (۱۳۹۵). غفلت از گردشگری ادبی در پایتخت شعر و ادب ایران. [https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/07/14]
- سروش‌مقدم. سیروس. (۱۳۹۳). پیوند گردشگری و میراث ادبی. گزارشگر: مریم مقدم. [http://www.hamedanpayam.com/56446/1393/12/04]
- سقای، مهدی. (۱۳۹۳). گردشگری ادبی و سهم فردوسی. [http://shahraraonline.com/news/40300/1393/02/25]
- شمس، فواد. (۱۳۹۲). گردشگری ادبی؛ بر بال شاعران پارسی. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۰۸۱. [http://donya-e-eqtasad.com/news/770752/1392/09/14]
- صیامیان‌گرجی، ابوالفضل. (۱۳۹۱). گردشگری ادبی. [http://tourismscience.blogfa.com/category/1391/10/04]
- فراهانی، فاطمه. (۱۳۹۵). طراحی مسیر گردشگری ادبی و تأثیر آن در اقتصاد ایران. [http://b2bnet.info/1395/12/08]
- گلبو، فریده. (۱۳۹۳). گفتگوی خبری: روز جهانی گردشگری. گزارشگر: زهره نیلی. [http://www.mehrnews.com/news/1393/07/05]
- مرتضایی‌فرد، زینب. (۱۳۹۵). غبار فراموشی بر خانه جلال. [http://jamejamonline.ir/online/2570394250668240981/1395/07/15]
- نورآقایی، آرش. (۱۳۹۱). مقدمه همایش ملی گردشگری ادبی. [http://www.literarytourism.ir/1391/10/02]
- نورآقایی، آرش. (۱۳۹۳). دغدغه طراحی تور ادبی وجود ندارد/ با اسطوره‌ها مان بیگانه‌ایم. [http://www.toptourism.ir/1393/12/08]